

تابستان داغ ۵۳ در برلین

شورش ناکام مخملی در اولین خاکریز بلوک شرق!

Konstatin jerofeyev - برگردان امیرعلی لاهرودی

روزنامه «Sovros» چاپ مسکو در تاریخ ۲۰۰۸/۷/۸ میلادی مقاله ای منتشر کرده که در آن با ارائه برهان و دلایل قوی نشان می دهد متفقین غربی در جنگ جهانی دوم، پس از پایان جنگ، بدون وقفه با توسل به همه وسائل ممکن از جمله با تحریک مردم آلمان می کوشیدند متفق شرقی را نخست از آلمان و در مرحله بعدی از اروپای شرقی بیرون کنند و وضع دوران قبل از جنگ را به اروپا بر گردانند. روسیه شوروی را مجدداً به حلقه محاصره در آورند و با فشار از خارج و با به خدمت گرفتن عناصر ضد انقلابی در داخل به هدف توسعه طلبانه خود نائل آیند. همه این عملیات تخریبی در آن زمان، بویژه در تابستان ۱۹۵۲ (سه ماه بعد از مرگ استالین) عقیم ماند. اما با گذشت زمان و با تغییر در تاکتیک عملیات غرب ۳۸ سال بعد بدست خود رهبران وقت شوروی جامه عمل پوشید.

نویسنده مقاله، حادثه پر مجرای ۵۵ سال قبل برلین را با جزئیات مورد بررسی قرار داده و در دسترس خوانندگان حقیقت جو قرار داده است. ترجمه این مقاله بخوانید:

با طرح واقعیت به عمل حيله گرانه دست نمی زنیم. آلمان ها بشکل بی سابقه جنایاتی در جنگ جهانی دوم مرتکب شدند و متحمل مجازات سنگینی هم گردیدند. ویرانی شهرها، شرایط صلح تحقیرآمیز، زندگی با محرومیت از حقوق انسانی و نیمه گرسنگی، الحاق اراضی و میلیاردها غرامت جنگی، تقسیم کشور به چهار منطقه اشغالی را پذیرا شدند. ائتلاف ضد هیتلری ماشین آلات و وسایل فنی را از آلمان ویران شده بیرون کشید و برد، کشتی ها و پانتون ها را از بندرگاه های آلمان بیرون آوردند. صدها هزار اسیر آلمان برای آباد کردن ویرانی های جنگ در کشورهای اروپا به کار گرفته شدند.

گذشته از اینها برای بر گرداندن زندگی به مسیر عادی نیروی زیادی بکار گرفته شد. مطابق «برنامه مارشال» آمریکائی ها و انگلیس ها برای زیر ساخت (انفرا استروکتور) پایگاه های نظامی و میدان های مشق وسایل هنگفت بکار انداختند. شاخه های شرکت های چند میلیتی را در خاک آلمان جا به جا کردند. آنها همه این کارها را بخاطر رشد اقتصادی و بازار فروش کالاهای خود انجام میدادند.

بر خلاف آنها، مردم شوروی برای تأمین غذای «ماداران» و «کودکان» آلمان شرقی که نان آوران خود را در استالینگراد و در قفقاز از دست داده بود مواد غذایی می فرستادند. برای بکار انداختن مترو برلین جسد ۲۰۰ هزار انسان را که با باز کردن شیر آب، به فرمان هیتلر زنده بگور شده بودند بیرون کشیدند. تابلوهای نفیس نمایشگاه «درزدن» را نجات دادند و اجازه ندادند نابود شوند. بیمارستان ها، دانشگاهها، مدارس را بازسازی کردند. سرمایه گذاری ها هدف سوددهی نداشت. و حالا خواننده خود میان دو رفتار سرمایه درای در غزب و سوسیالیسم در شرق قضاوت کند.

نخستین اعتراض آلمان ها علیه نیروهای اشغالگر در سال ۱۹۴۷ در منطقه اشغالی انگلیس در این کشور رخ داد. کارگران آلمان گرسنه بودند.

انگلیس ها برای تغذیه آنان عجله نمی کردند. هر چه موجود بود می بردند. برای آنها نجات اقتصاد خود ضروری بود. بر مبنای اسنادی که در سال ۱۹۹۰ از طبقه بندی خارج شد، روحیه سربازان انگلیس به حدی پائین بود که از ارتش فرار می کردند. برخی از آنها به

منطقه اشغالی شوروی می رفتند. نا آرامی کارگران آلمانی در مارس ۱۹۴۷ در «برائون شواين» آغاز گردید و درست ۳ ماه طول کشید. تظاهر کنندگان به سربازان و افسران ارتش انگلیس حمله می کردند، ناهارخوری و انبارهای آنها را غارت می کردند. غذا را به خانه های خود می بردند. زمانی که تانک ها به خیابان ها آمدند، وضع تا اندازه تغییر کرد.

آمریکائی ها، منطقه شرق را به باد حملات تبلیغاتی گرفتند و کوشیدند با این تبلیغات نشان دهند که در غرب آلمان رفاه، دموکراسی و آزادی موجود است. آن زمان برلین هنوز با دیوار تقسیم نشده بود. اهالی آلمان شرقی تماشاگر تبلیغات زندگی پر رنگ و لعاب، مسابقه زیبایی، چراغانی کازینوها بودند. امریکائی ها با مهارت آلمان ها را بازی میدادند. بی رحم بودن روس ها هسته اصلی تبلیغات آنها را تشکیل میداد. دستگاه های تبلیغاتی غرب این فکر را تلقین می کردند که کافی است حزب واحد سوسیالیستی هوادار شوروی را نابود کرد، اراضی تقسیم شده آلمان را متحد نمود تا آلمان شکوفا شود.

گذشته از این، قدرت نیروهای امریکائی در مرزهای آلمان دموکراتیک متمرکز می شد. آنها مانورهای گسترده نظامی را به تماشا می گذاشتند و این تفکر را تلقین می کردند که دموکراسی غربی قادر است از ایده آل خود دفاع کند. آنها گروه های تخریب را تعلیم می دادند. در میان آنها "اس. اس" های سابق نیز بودند. در آلمان شرقی هزاران عامل نفوذی داشتند. در برلین غربی با عجله سازمان های غیر دولتی تشکیل دادند. از جمله گروه مبارزه علیه فعالیت های غیر انسانی، «دفتر شرقی»، «اتحادیه جوانان آلمان». "آلن داس" رئیس اداره مرکزی اطلاعات (CIA) این «پروژه زرد» را رهبری می کرد.

شیوه عملیات او اکنون در کشورهای بالتیک، در یوگسلاوی، در گرجستان و اوکراین و مولداوی با مهارت بکار گرفته می شود. آیا روسیه کنونی میتواند در برابر این سناریو مقاومت کند؟

"اولبریخت"، "پیک" و "پروتو کول" رهبران حزب واحد سوسیالیستی آلمان در ۱۹۵۲ انتخاب راه ساختمان سوسیالیزم را اعلام کردند. این کار در وهله نخست و در عمل یعنی کاری بی صرفه. برای دوستان سوسیالیست بایری (BAVRIA) و آبجوی رنگ مخملی چنین آینده ای خوشایند نبود.

پس از مرگ استالین در مارس ۱۹۵۳ بحث در داخل حزب واحد سوسیالیستی آلمان شدت یافت. برخی از (BONZ) های حزبی و روشنفکران لیبرال پیرامون حزبی خواستار از بین بردن آثار دوران استالین و پیاده کردن دموکراسی شدند. رهبران برای بهتر فکر کردن عجله نمی کردند. تدابیر اداری عامه پسند نبود. بهار ۱۹۵۲ نرم تولید صنعتی ۱۰٪ افزایش یافت. ۱۱ و ۱۲ ژوئن عده از کارگران ساختمان دست به اعتصاب زدند. رادیو RIAS تحت کنترل CIA در آلمان غربی در شب ۱۶ به ۱۷ ژوئن شعار اعتصاب همگانی در آلمان دموکراتیک را سر داد.

واحدهای تانک آمریکا در نوار مرزی آلمان دموکراتیک موضع گرفتند. صدها نفر مسلح از سازمانهای خدمات ویژه آلمان غربی به اراضی DDR جمهوری آلمان دموکراتیک فرستاده شد. تاریخ نویسان بر این عقیده هستند که غرب برنامه عملیات نظامی گسترده را تدارک دیده بودند تا DDR را از دایره نفوذ شوروی جدا سازند.

۱۷ ژوئن ۱۹۵۳ در برلین و در شهرهای دیگر، مؤسسات صنعتی کار خود را متوقف نمودند. تظاهرات خیابانی کارگران آغاز گردید. دانشجویان و لمپن ها به تظاهر کنندگان پیوستند. حکومت آلمان غربی «ناراضیان» را بسیج کرد و در اختیار آنها و سائط نقلیه قرار داد و به برلین شرقی انتقالشان داد. ماشین های صدا پخش کن آمریکا در خیابانها به حرکت در آمدند.

بعدها معلوم شد «ناراضیان» را از بازار کار (بورس کار) و فاحشه خانه های برلین غربی با پول خریده بودند و به خیابان ها کشانده بودند. شبه نظامیان خدمات ویژه آلمان غربی آنها را راهنمایی میکردند.

انبوه جمعیت با حالت ددمشانه به طرف مرکز شهر حرکت کردند. پلیس کوشید جلوی آنها را بگیرد. اما خود مورد حملات وحشیانه قرار گرفت. ۳ ماشین پلیس در یکی از خیابان های برلین در ۱۶ ژوئن با تظاهر کنندگان روبرو شدند و با بلندگو از آنها خواستند متفرق شوند. تظاهر کنندگان با وحشیگری به ماشین پلیس حمله کردند، دو اتومبیل را واژگون کردند. از اتومبیل سومی مجهز با رادیو زن گوینده را بیرون کشیدند. او را لت و پار کردند. راننده را با بی رحمانه ترین شکل کتک زدند. قیام کنندگان از سلاح استفاده کردند. کمیته مرکزی حزب واحد سوسیالیستی آلمان و ساختمان نخست وزیری را به اشغال خود در آوردند. چماق داران هرچه در مسیر راه پیش می آمد در هم می کوبیدند. پرچم سرخ را از دروازه براند بورگ به زیر پای اجامر و اوباش مست انداختند. کیوسک ها، اتومبیل ها و مغازه ها را به آتش کشیدند. اداره گمرک DDR را غارت کردند و ساختمان آن را سوزاندند.

پس از حمله شدید دفتر جبهه ملی در خیابان تلمان و شورای مرکزی اتحادیه کارگران، دفتر جمعیت دوستی شوروی و آلمان بدست مهاجمان افتاد. مهاجمان مدافعان (پلیس، مأمورین امنیتی، کمونیست ها و کارمندان) را در هم کوبیدند. در شهر اتومبیل ها و دوچرخه ها با نمرات آلمان غربی آزادانه رفت و آمد می کردند. گردانندگان ازدحام از تظاهر کنندگان می خواستند فردا نیز به خیابان ها بیایند و تظاهرات را ادامه دهند. شاهدین می گفتند افسران با لباس آمریکائی میان تظاهر کنندگان حرکت می کردند و دستورات لازم را به آنها می دادند. رهبران حزب واحد سوسیالیستی کنترل اوضاع را از دست داده بودند و با تاخیر از ارتش شوروی مقیم DDR کمک خواستند.

افسران و ژنرال های شوروی سراسیمه نشدند و با سرعت وضع بحرانی در برلین شرقی را به اطلاع مقامات رساندند. ۱۷ ژوئن "بریا" درباره متوقف کردن هرج و مرج تصمیم قطعی اتخاذ کرد. ژنرال "گولیدزه" عملیات ویژه را برعهده گرفت. (او در سال ۱۹۳۸ از خود سری های "یژوف" در لنینگراد جلوگیری کرده بود و تجربه داشت. در زمان جنگ برای جلوگیری از عملیات خرابکاران آلمان نازی کارهای بزرگ انجام داده بود. اما در دسامبر ۱۹۵۳ با فرمان "خُرشف" در برابر جوخه اعدام قرار گرفت.) هم چنین وزیر دفاع آینده شوروی ژنرال "گرچکو" رهبری عملیات ویژه را بدست گرفت. ارتش شوروی در عرض چند ساعت سراسر سرحدات جمهوری آلمان دموکراتیک (DDR) را بست کرد.

عملیات قاطع ستون تانک های شوروی تدارک جنگ در پشت پرده را خنثی کرد. تانک های شوروی در برلین شرقی با شلیک گلوله و بطری های آتشنا روپرو شدند. سربازان شوروی اجازه تیر اندازی نداشتند و بنابراین سر و صدای فحاشی و شعار «ایوان ردشو» گوش ها را کر می کرد.

تظاهر کنندگان سرود سال های حکمرانی هیتلر را سر می دادند. اما هیچ کس جسارت نکرد با تانک های ژنرال گرچکو بطور آشکار وارد جنگ شود. ازدحام نیم میلیونی پراکنده شد، تا فردا خود را برای قهرمانی آماده کند. شب هیجان آفرین به سر رسید. در بسیاری از خیابان ها آتش سوزی و تیر اندازی رخ داد. پلیس و نیروهای امنیتی DDR هنوز از بحران غافلگیر به خود نیامده بودند. فرصت ذی قیمت را آتشبازان از دست دادند. آنها در عرض یک شب تنها ۱۵ نفر افراد دست پائین شورش را دستگیر کردند.

با دریافت دستور مخفی از غرب فردای آن روز تظاهرات و نا آرامی از شهرهای درزدن، ماگدا بورگ و از شهرهای دیگر DDR سر در آورد. در شهر "هاله" فرمانده زندانی نازی ها «E DORI» از زندان آزاد شد. شدیدترین درگیری در شهر "ماگدا بورگ" رخ داد. در برابر زندان، ساختمان حزب واحد سوسیالیستی و وزارت امنیت جنگ تمام عیار شروع شد.

در شهر "کمنیتس" شورشیان زندانیان را آزاد کردند. در شهر «گرا» (GERA) گروهان ارتش شوروی به محاصره ای ۶ هزار کارگر اعتصابی در آمد و با دشورای از این هجوم جلوگیری شد. اما با فرمان گرچکو از منطقه مرکزی DDR نیروی موتوریزه ارتش برای یاری رساندن به گروهان شوروی اعزام گردید.

در برلین شرقی ۸ هزار تظاهر کننده از نو به مرکز شهر حرکت کردند. از منطقه اشغالی آمریکا در برلین کارگران بیکار، گروههای ماجراجو برای کمک به تظاهر کنندگان به حرکت درآمدند. بنابه اعتراف شاهدان عینی، افسران آمریکائی با بطری های پراز بنزین در دست صف آرائی کردند. اما دیگر دیر بود.

پل ها و دیگر مناطق کلیدی تحت نظارت نیروهای شوروی در آمده بود و واحدهای شوروی با نیروهای تجدید سازمان یافته وزارت امنیت DDR در خیابان ها کشیک می دادند. تظاهر کنندگان که تعداد آنها نسبت به روز گذشته کم بود، برای بازگشت به خانه ها آماده می شدند. اگر در ۱۹ ژوئن شمار تظاهر کنندگان در خیابانها ۵۰ هزار نفر بود، در ۲۰ ژوئن شمار آنها تا ۱۳ هزار نفر کاهش یافته بود.

عملیات قاطعانه ارتش شوروی و اراده سیاسی محکم رهبری اتحاد شوروی و علاقمندی آلمانیها برای اعمال نظم (ORDUNUNG) کار خودش را کرد. شکست آلمان در جنگ هنوز در خاطره ها زنده بود. اکثریت تظاهر کنندگان قصد ساقط کردن رژیم حاکم حزب واحد سوسیالیستی را نداشتند. آنها خواست های اقتصادی، یعنی پائین آوردن قیمت اجناس و ساعات کار را مطرح کرده بودند اما تحریک کنندگان شورش، آنها را به این جهت کشانده بودند. چند روز بعد حزب واحد سوسیالیستی توانست در بسیاری از مؤسسات گروه های مسلح محافظه تحت نام سپاه داوطلب طبقه کارگر تشکیل دهد. در ۲۴ ژوئن در برلین میتینگ بزرگ جوانان برای حمایت از دولت سوسیالیستی برگزار گردید. ۲۵ ژوئن بلوک دموکراتیک احزاب سیاسی و کارکنان سازمانهای حافظ نظم نسبت به DDR اعلام اعتماد کردند.

حالا درباره نتایج حوادث:

از ۱۷ تا ۲۹ ژوئن ۴۰ تا ۱۲۵ نفر کشته شدند، ۴۰۰ نفر زخمی گردیدند، شورشیان ۱۱ نفر از فعالان حزب واحد سوسیالیستی را کشتند. ۱۱۰ زخمی و علیل بر جای گذاشتند. رقم دقیق کشته ها و زخمی ها در میان سربازان ارتش شوروی در دست نیست. ۹۵۳۰ نفر دستگیر شدند. نیمی از آنها بزودی آزاد شدند. بسیاری از دستگیر شدگان به مدتی زندان محکوم شدند. عده ای از آنها دوره محکومیت خود را در گولاگ، در شوروی گذراندند. بر مبنای برخی اطلاعات عده از فعالین شورش نیز اعدام شدند.

بر قراری صلح بعد از جنگ در دستور روز قرار گرفت. مناقشات خونین با آغاز «جنگ سرد» قطع شد. حالا شوروی شناسان اعتراف می کنند که رهبری ناتو در آغاز سال ۵۰ سناریوی حمله به شوروی را مطالعه می کردند. بویژه برای اینکه ناتو با در اختیار داشتن کلاهک های هسته ای بیشتری نسبت به شوروی دست بالا را داشت. تشدید مناقشه به جنگ جهانی سوم و به فاجعه جهانی منجر می شد. بکار بردن قاطعانه نیرو از جانب شوروی «قرقی»های ماورای بحار را از دست زدن به عملیات ماجرا جوبانه منصرف نمود. بدین طریق استراتگ های ماورای بحار برای سالهای طولانی از حمله مستقیم به شوروی دست بر داشتند. اما دستگاه های اطلاعاتی به نتیجه مهمی دست یافتند. بدین معنی که میتوانند در جنگ روانی به رقیب بالقوه خود آسیب مهم برسانند. مطابق پروژه بزرگی که در دانشگاه "هاروارد" برای فرسایش جامعه شوروی طراحی شده بود، پایگاه های نظامی در اطراف شوروی ایجاد شد و رادیوهای ضد شوروی راه افتادند.

شوروی در اوج قدرت از طریق بکار گرفتن شیوه نظامی قیام را خواباند. بلوک سوسیالیستی وحدت خود را به نمایش گذاشت. در DDR هواداران انتخاب سوسیالیستی قدرتمندی موجود بود. در عین حال برای آلمانی های شرق برخی گذشت های صورت گرفت. از ۱۹۵۴ قوانین مربوط به دوران اشغال لغو شد.

نظارت بر دولت DDR از جانب کمیسر عالی شوروی متوقف گردید. در اوت ۱۹۵۳ بقایای ۲/۵ میلیارد غرامت جنگی لغو گردید. کمک های اقتصادی گسترده از جانب شوروی به DDR انجام گرفت. "ویلهلم پیک" رهبری آلمان نوین را بدست گرفت. رفرم اقتصادی آغاز گردید. برنامه تأسیس شرکت های تعاونی، ساختن خانه های اجتماعی، با شگاه های ورزش، مدارس و استراحتگاهها به مرحله اجرا در آمد. DDR در مورد سرعت رشد اقتصادی و تأمین وضع زندگی اهالی در بلوک کشورهای سوسیالیستی مقام اول را بدست آورد. (و به یازدهمین کشور صنعتی جهان تبدیل شد)

با این حال اوضاع کلی سیاسی در جهان و خیم تر شد. تجزیه آلمان به دو دولت تقابل سیاسی و نظامی را شدت بخشید. حمایت یکجانبه شوروی از DDR و انتقاد شدید از آلمان غربی مانع آن شد که رهبری شوروی بتواند سیاست مدبرانه درباره غرب اتخاذ نماید. شوروی با تقسیم جهان و با ایجاد دیوار آهنین برای تأمین ثبات داخلی، امکان اجرای سیاست انعطاف پذیری را از دست داد. بسته شدن بلوک شوروی برای مبلغین طرز زندگی غرب شرایطی بوجود آورد تا سوسیالیسم را مورد انتقاد شدید قرار دهند و با بزرگ کردن خطر حمله از شرق اهالی کشورهای خود را وحشت زده کنند و کوشش شوروی درباره تشنج زدایی و محدود کردن مسابقه تسلیحات را نا دیده بگیرند.

راه توده ۱۹۴ ۱۵,۰۹,۲۰۰۸